

ادامه از صفحه ۹

**بحرانی وسیع بار شد چشمگیر**

چالش مواجه کند. لاک پشت گوش قرمز که در لیست صد گونه مهاجم خطرناک جهان قرار دارد، برخی از انواع خزندگان شامل سوسمارها و مارها، بسیاری از پستانداران مثل سمور، سنجابها، جوندگان ریز و درشت، میمون، راکون و بندپایانی چون آخوندک (مانتیس) و سوسکها، رتیل، عقربها و حتی کرمهای خوراکی برای تغذیه اگزاتیک پت‌ها که به وفور در سایت‌های اینترنتی به فروش می‌رسند در زمره این شکل قاچاق دسته‌بندی می‌شوند.

قاچاق خروجی و صید گونه ایرانی به قصد فروش در خارج از کشور، شاید آشناترین نوع ترافیک حیوانات باشد که به باور عامه با نام قاچاق شناخته می‌شود. صید انواع پرندگان شکاری با هدف فروش به اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس، هوبره با مبدأ و مقصد مشابه، سمندر لرستانی با قیمت بالا به مقصد مجموعه داران و مراکز تحقیقاتی اروپا و آمریکا، پستانداران بزرگ جثه چون خرس و پلنگ برای استفاده از پوست و تاکسیدرمی و گاه استفاده در سیرک‌ها و معرکه‌گیری‌ها، انواع شاخ و جمجمه علف‌خواران به‌عنوان کالای زینتی از مزارع، قفس‌هایی که در زندگی روزمره می‌بینیم، حیوانی را که محصول قاچاق است در اسارت خود دارند: کاسکوکو، طوطی، مینا، سپهر، چکاوک و بلبل هزارستان، حتی خیلی از هموطنان قاچاقچیمان، سنجاب زاگرس را با نام کانادایی به هموطنان ناگاه می‌فروشند. باور کنیم یا نه چندسالی است که خیلی از ما با پهن کردن سفره هفت‌سین هم قاچاقچی می‌شویم؛ سمندر لرستانی در خطر انقراض و سین هشت‌هفت‌سین یاستانی شده.

**دسته‌بندی قاچاق حیوانات و حیوانات**

قاچاق حیوانات وحش شامل هر شکل حذف گونه از طبیعت برای ارایه به قصد استفاده از زنده، جسد، اجزا و قطعات حیوان می‌شود. در نگرش کلی براساس مقصد و مقصود قاچاق بدون دسته‌بندی گونه‌های حیوانات وحش، می‌توان این قاچاق را به چند دسته کلی تقسیم کرد: قاچاق داخلی، ورودی، خروجی و ترانزیت. در قاچاق داخلی که هر گونه صید و شکار را با هدف خرید و فروش گونه‌های بومی برای مقصد داخلی شامل می‌شود، می‌توان موارد بسیار آشنای و گاه روزمره‌ای مشاهده کرد. قاچاق زنده سمندر غاری لرستانی که ضمیمه شماره یک لیست سرخ کنوانسیون منع قاچاق گونه‌های جانوری است از مبدأ لرستان و غرب کشور به شهرهای داخلی برای فروش در بازار نرورزی و قرار دادن بر سفره هفت‌سین، صید سنجاب از دامنه‌های زاگرس و فروش به‌عنوان حیوان خانگی و دست‌آموز در اقصی نقاط کشور، صید انواع پرندگان در شمال کشور به‌خصوص منطقه فریدونکنار و فروش به باغ‌های پرندگان و باغ‌وحش‌ها، صید ماهیان آب‌شور و حتی کوسه‌های بزرگ از خلیج فارس و فروش در شهرهای بزرگ برای نگهداری در آکواریوم‌ها و صید انواع اقسام پرندگان شکاری و آوازخوان برای نگهداری در منازل در این دسته قرار دارد. برخی اقسام سوغاتی مانند پرند‌های تاکسیدرمی شده در شمال کشور و ماهیان و سخت‌پوستان و کوسه‌ها و حتی صدف‌های جنوبی نیز بخشی از این قاچاق را تشکیل می‌دهند.

در قاچاق ورودی که شامل صید غیرمجاز گونه‌های وحشی در خارج از کشور و ورود به کشور با هدف استفاده داخلی می‌شود، نتایج تنوع‌زیستی مبدأ با خطر مواجه می‌شود و حیوانات وحش را در مقیاس جهانی متاثر می‌سازد، بلکه در مواردی که حیوان زنده به دلیل رهاشدن یا فرار به طبیعت کشور راه پیدا کند، در صورت همساز بودن با شرایط اقلیمی کشور می‌توان به‌عنوان گونه مهاجم تکثیر شده و در رقابت بر سر منابع زیستگاه با گونه‌های بومی، تنوع‌زیستی مقصد را نیز با

**ماهم قاچاقچی هستیم!**  
قاچاق حیوانات وحش برخلاف تصویر رایج فیلم‌ها و داستان‌ها توسط چهره‌های آنچنانی انجام نمی‌شود. کافی است تصویری از میدان صنعت شهرک غرب، حاشیه اتوبان‌های تهران، دستفروش‌های خیابان مولوی، حاشیه و داخل بازار خلیج فارس، حیوان‌فروشی‌ها، آکواریوم‌فروشی‌های نواب، باغ‌وحش‌ها، باغ‌های پرندگان و سیرک‌های حیوان آزار را به یاد بیآورید. تصویر شایع‌تر این روزها فروشنده‌های ماهی قرمز هستند که همه‌جا دیده می‌شوند... و بازم نزدیک‌تر: قفسی بزرگ و شبک در کنار هتل و رستوران و حتی اتاق نشیمن خانه برخی از ما! اگزاتیک پت‌هایی که با نام حیوان خانگی خاص فروخته می‌شوند، پرندگان و خزندگان و پستاندارانی که با نام جعلی حیوان خانگی به مردم ارایه می‌شوند، سمندر، مار و لاک‌پستی‌هایی که در بساط ماهی‌فروش‌ها دیده می‌شوند و در چندسال اخیر از حشرات و بندپایانی چون آخوندک تایلندی، رتیل، تارانتولا تا گوریل و قیل و ببر، همه‌بوم‌ها محصول قاچاق هستند. در بسیاری از موارد، قفس‌هایی که در زندگی روزمره می‌بینیم، حیوانی را که محصول قاچاق است در اسارت خود دارند: کاسکوکو، طوطی، مینا، سپهر، چکاوک و بلبل هزارستان، حتی خیلی از هموطنان قاچاقچیمان، سنجاب زاگرس را با نام کانادایی به هموطنان ناگاه می‌فروشند.

باور کنیم یا نه چندسالی است که خیلی از ما با پهن کردن سفره هفت‌سین هم قاچاقچی می‌شویم؛ سمندر لرستانی در خطر انقراض و سین هشت‌هفت‌سین یاستانی شده. این روزها خیلی از افراد شبک و خوش‌پوش نیز قاچاقچی‌های پر در آمدی هستند. قاچاقچی حیوانات وحش با پوشش حیوان دوستان جعلی و فروشنده‌های حیوان خانگی خاص و متنوع و اگزاتیک و اسامی مشابه.

**دسته‌بندی قاچاق حیوانات وحش و حیوانات**

قاچاق حیوانات وحش شامل هر شکل حذف گونه از طبیعت برای ارایه به قصد استفاده از زنده، جسد، اجزا و قطعات حیوان می‌شود. در نگرش کلی براساس مقصد و مقصود قاچاق بدون دسته‌بندی گونه‌های حیوانات وحش، می‌توان این قاچاق را به چند دسته کلی تقسیم کرد: قاچاق داخلی، ورودی، خروجی و ترانزیت. در قاچاق داخلی که هر گونه صید و شکار را با هدف خرید و فروش گونه‌های بومی برای مقصد داخلی شامل می‌شود، می‌توان موارد بسیار آشنای و گاه روزمره‌ای مشاهده کرد. قاچاق زنده سمندر غاری لرستانی که ضمیمه شماره یک لیست سرخ کنوانسیون منع قاچاق گونه‌های جانوری است از مبدأ لرستان و غرب کشور به شهرهای داخلی برای فروش در بازار نرورزی و قرار دادن بر سفره هفت‌سین، صید سنجاب از دامنه‌های زاگرس و فروش به‌عنوان حیوان خانگی و دست‌آموز در اقصی نقاط کشور، صید انواع پرندگان در شمال کشور به‌خصوص منطقه فریدونکنار و فروش به باغ‌های پرندگان و باغ‌وحش‌ها، صید ماهیان آب‌شور و حتی کوسه‌های بزرگ از خلیج فارس و فروش در شهرهای بزرگ برای نگهداری در آکواریوم‌ها و صید انواع اقسام پرندگان شکاری و آوازخوان برای نگهداری در منازل در این دسته قرار دارد. برخی اقسام سوغاتی مانند پرند‌های تاکسیدرمی شده در شمال کشور و ماهیان و سخت‌پوستان و کوسه‌ها و حتی صدف‌های جنوبی نیز بخشی از این قاچاق را تشکیل می‌دهند.

در قاچاق ورودی که شامل صید غیرمجاز گونه‌های وحشی در خارج از کشور و ورود به کشور با هدف استفاده داخلی می‌شود، نتایج تنوع‌زیستی مبدأ با خطر مواجه می‌شود و حیوانات وحش را در مقیاس جهانی متاثر می‌سازد، بلکه در مواردی که حیوان زنده به دلیل رهاشدن یا فرار به طبیعت کشور راه پیدا کند، در صورت همساز بودن با شرایط اقلیمی کشور می‌توان به‌عنوان گونه مهاجم تکثیر شده و در رقابت بر سر منابع زیستگاه با گونه‌های بومی، تنوع‌زیستی مقصد را نیز با

باشد. به عقیده من اول فقر در زمینه آگاهی و فرهنگی که باعث می‌شود یک سمندر به دلیل داشتن سین وارد سفره هفت‌سین شود یا این که اجزای بدن یک کفتار یا خرس به صورت خرافی در درمان برخی بیماری‌ها کاربرد پیدا کند. مسلماً پس از آن فقر مادی است که یک نفر برای کسب سود دست به خرید و فروش موجودات و جانداران دیگر می‌زند. اما عده‌ای نیز از این موضوع سودهای کلانی به جیب می‌زنند که باز هم به عقیده بسیاری از کارشناسان با ایجاد دانش و فرهنگ می‌توان مشکلات مادی را نیز به شکل منطقی رفع کرد. برای نمونه اگر مردم جزیره قشم و لاک‌پشت‌های دریایی را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که سود حاصل از گردشگری برای مردم و کل جزیره به مراتب بیشتر از قاچاق و خرید و فروش لاک‌پشت‌های دریایی برای عده‌ای خاص است.

**اساساً آساری دارید که معلوم شود قاچاق حیوانات وحش برای سودجویان تاحه اندازه منفعت اقتصادی دارد؟**

در مورد بعضی از گونه‌ها بسیار سود ناچیز است و در حدود ۲ تا ۱۰ هزار تومان، ولی در مورد برخی موارد خاص سودهای سوداگران تا ۳۰۰ هزار تومان هم می‌رسد.

برای نمونه در سال‌های گذشته قیمت سمندر‌ها در بازارهای داخلی حدود ۲ هزار تومان بوده که با افزایش جرایم تا ۱۰ هزار تومان هم خرید و فروش می‌شدند. همچنین برخی گونه‌های مارمولک‌ها نیز بین ۲ تا ۵ هزار تومان بوده، انواع لاک‌پشت از ۱۰ تا ۱۰۰ هزار تومان گزارش شده‌اند. نکته قابل توجه این است که در اغلب موارد گونه‌های در آستانه انقراض بیشتر با چنین تهدیدهایی مواجه می‌شوند که این جای نگرانی دارد. اما آسیمی که به جمعیت گونه‌ها و اکوسیستم‌های ایران وارد شده بسیار بیش از اینهاست و در صورتی که این روند ادامه پیدا کند مسلماً نسل‌های آینده از دیدن بسیاری از گونه‌های بومی کشور محروم خواهند شد.

**تا به حال چه‌ان‌جی‌اوهایی مستقیماً در رابطه با موضوع جلوگیری از قاچاق حیوانات وحش فعالیت کردند و نحوه فعالیت چطور بوده است؟**

ان‌جی‌اوهایی وجود دارد که در این حوزه فعالیت کنند اما تعدادشان خیلی زیاد نیست. مثلاً در بحث خزندگان و دوزیستان، ان‌جی‌اوهایی که خزنه‌شناسان پارس فعالیت می‌کنند که بیشتر فعالیتش را روی موضوع گونه‌های در آستانه انقراض گذاشته است. مثلاً ما در حال حاضر محیط‌بانانی را آموزش می‌دهیم که در سطح شهر با فروش انواع مارمولک و سمندرها مقابله کنند و اجازه ندهند این گونه‌های کمیاب به راحتی خرید و فروش شوند. در مورد پرندگان نیز ان‌جی‌اوهایی به صورت محدود فعالیت می‌کنند اما متأسفانه اکثر آنها نمی‌توانند روی بحث حفاظت گونه‌ها فعالیت داشته باشند. تا جایی که من اطلاع دارم، ان‌جی‌اوهایی هم برای ماهی‌ها وجود ندارد.

**تا چه اندازه امیدوار هستید که ان‌جی‌اوهایی بتوانند جلوی مساله قاچاق حیوانات وحش را بگیرند و آن را کم‌کنند؟**

خوشبختانه در این سال‌های اخیر، مردم ما با مسائل محیط‌زیستی خیلی خوب درگیر شده‌اند. هم‌زمان با هشداری‌هایی که ان‌جی‌اوها دادند، حساسیت مردم هم بالا رفته و وقتی مردم یک موضوعی را از مسئولان طلب کنند بالطبع، مسائل خیلی زودتر پیش می‌رود. این آگاهی‌سازی‌ها اتفاق افتاده و این فشارهای دوجانبه از طرف مردم و کارشناسان باعث شده تا خیلی راحت‌تر مسائل پیش برود. اطلاع‌رسانی‌ها هم همچنان ادامه دارد. مستندهایی ساخته شده که قرار است به‌زودی از رسانه ملی پخش شود و همه اینها می‌تواند مردم را نسبت به موضوع محیط‌زیست حساس کرده و از تعداد قاچاق‌ها کم کند.



در گفت‌وگویی «شهر نو» با یک فعال حقوق حیوانات مطرح شده:

**آیندگان از دیدن گونه‌های بومی محروم خواهند شد**

«هشدارها درباره قاچاق حیوانات وحش و عشی شدت گرفته است»

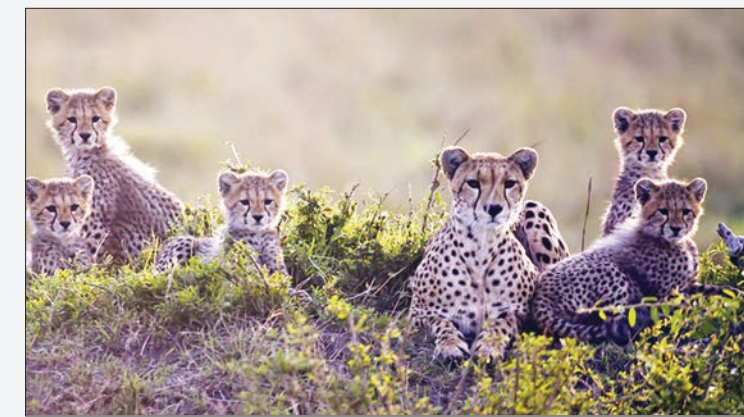
درباره قاچاق حیوانات بیشتر شده و فعالان این حوزه را به تکاپو انداخته تا با هشدارهایی در این زمینه جامعه را نسبت به موضوع حیوانات وحش حساس کنند. بارید صفایی، یکی از فعالان حوزه حیوانات وحش «شهر نو» گفت: «گفت‌وگو کرده و از عوام‌لی گفته است که این سال‌ها باعث شده تا گونه‌های نادر از کشور خارج شوند و به مرز نابودی کامل برسند.»

فوج‌های سنگی در آذربایجان به‌عنوان نماد روی مزار عارفان یکی از این کاربردهاست. همچنین نگاره‌ها و آثار به‌جای مانده بسیاری از مارلیک، کنار سنگ، تخت جمشید، پاسارگاد و آپادانا در شوش وجود دارند که از گوزن، فوج، شیر، ببر، کاراکال، یوز، پلنگ، مار و سایر جانداران در این نقوش استفاده شده است. اما در خصوص عصر حاضر، اگر به کاخ گلستان

و سر در باغ ملی و سایر بناها در تهران نگاهی دقیق بیندازیم می‌بینیم حیوانات وحش که تا قبل از آن به اغلب به‌عنوان نماد بوده‌اند جای خود را به شکار گاه

**کنار گذاشتن خودخواهی، اولین قدم است**

علیرضا هاشمی | کارشناس حیوانات وحش



می‌گذارند. حداقل آن است که پس از مدتی دیگر حیوانی برای شکار کردن باقی نخواهد ماند. فضای زندگی اجازه بازگشت مستقیم به شرایط گذشته را نمی‌دهد. امروز ما به جای ۱۰ اصلبل، صدها هزار اصلبل به‌وجود آمده تا نیازهای فزاینده امروز را برطرف کند. اولین چیزی که باید اتفاق بیفتد به‌تبع آن وضعی که هم‌اکنون دچارش هستیم بهبود پیدا کند. آن است که از خودخواهی‌هایمان دست برداریم. همه چیز را برای لحظه و اکنون و خودمان نخواهیم. گوشه چشمی به آیندگان و نیازهایشان داشتن هم خوب است. فرزندان ما هم نیازهایی دارند که برطرف‌شدنش در گروی کارهای امروز ما است. شاید اگر کمی درصد خودخواهی‌هایمان را کم کنیم، میزان تجارت حیوانات وحش کاهش پیدا کند. آدمی اگر خودخواه نباشد نه از تجارت «علاج‌فیل» خبری هست و نه از

مطرح کرد. گاو، مرغ، خروس و هر آنچه از آن استفاده می‌کنیم از طبیعتی گرفته شده که بخش مهمی از آن در همین حیوانات وحش تشکیل می‌دهد. اگر در گذشته پیشینیان ما دست به نابودی حیوانات وحش می‌زدند، شاید اصلاً فرصتی برای آن که دام اهلی یا حتی نالی برای خوردن به‌دست بیآوریم را نداشتیم. بنابراین در گذشته رابطه بین جامعه انسانی و حیوانات وحش رابطه‌ای تماماً مستقیم بود. امروز اما چون وارد فضای زندگی مدرن شده‌ایم از محیطی که در گذشته ارتباطی کامل با آن داشتیم، دور شده‌ایم و به‌تبع آن ممکن است ارتباطی که در قسمت بالا به آن اشاره کردم را به‌خوبی درک نکنیم. امروز زندگی در آپارتمان‌های شهری باعث شده گمان کنیم با شکار فلان حیوان در فلان منطقه حفاظتی قرار نیست هیچ اتفاقی در زندگی ما بیفتد، حال آن که کشتن حیوانات دانسته یا نادانسته تأثیر خود را روی زندگی ما

**مردم ایران چه شناختی از حیوانات وحش و نسبت آن با جامعه انسانی دارند؟**

در خصوص این که مردم ایران چه شناختی از حیوانات وحش دارند ابتدا باید زمان را برای جامعه ایرانی به دو بخش سنتی یعنی پیش از سال ۱۳۰۰ و پس از سال ۱۳۰۰ شمسی تقسیم کرد. به اعتقاد بنده مردم قدیم باورها و دانش بسیار بالایی در خصوص حیوانات وحش داشته‌اند و آنها را به‌عنوان همزیست و نماد در نظر می‌گرفتند. برای نمونه شیرهای سنگی در زاگرس بر سر مزار شهدا و بزرگان و همچنین

مردم ما به‌واسطه سابقه تاریخی که در مورد حیوانات وحش دارند (طبیعت به لحاظ تاریخی تا اندازه زیادی با مردم ایران عجین بوده است) گرایش خوبی نسبت به این حیوانات دارند. در روزگاری که مردم ایران با طبیعت خود سرآشتی داشتند، ارتباط بین جامعه انسانی و حیوانات وحش در سطح مناسبی قرار داشت. از زمانی که مدرنیته شهری و زندگی مدرن آغاز شده، آشتی بین این دو محیط تا اندازه زیادی بهم خورد. مدرنیته باعث شد، ارتباط مستقیم بین جامعه و طبیعت (که بخشی از آن حیوانات وحش است) مخدوش شود. در چنین شرایطی ما انسان‌ها در مواجهه با این رفتن یا آسیب‌دیدن حیوانات وحش عکس‌العمل‌های گذشته را از خود نشان نمی‌دهیم. این درحالی است که در روزگار سنازش این دو بخش (جامعه انسانی و حیوانات وحش)، آدمیان وقتی با آسیب‌دیدن طبیعت (و حیوانات وحش) مواجه می‌شوند، حس می‌کنند خودشان هم آسیب‌دیده‌اند. دو بخش مذکور در گذشته ارتباط مستقیمی با یکدیگر داشتند. با این وجود ذکر این نکات باعث نمی‌شود، اشتباهاتی که نسل‌های گذشته در مواجهه با حیوانات وحش از خود نشان داده‌اند را نادیده بگیریم و از آنها چشم‌پوشی کنیم. قطعاً در آن دوران هم بشر در نحوه برخوردش با حیوانات وحش اشتباهات قابل توجهی داشته است. با این وجود نمی‌شود از آن ارتباط نزدیک و صمیمی هم چشم‌پوشی کرد.

حیوانات وحش یکی از مولفه‌های طبیعی است. ما باید بدانیم باز دست دادن هر کدام از بخش‌های طبیعت در حقیقت در حال دورشدن از خودمان هستیم. در این باره می‌شود مثال‌های ساده و پیچیده بر شماری



در پیچ